

ختم صلح اسلو

راهبرد اسرائیل در مقطع کنونی

محمد عطایی

جریان مذاکرات کمپ دیوید، در برابر پیشنهادهای آمریکا و عدم پذیرش شرایط اسرائیل تا همکاری و ائتلاف او و سازمان فتح وی با گروه‌هایی چون حماس و جهاد، انگیزه ناچیزی-حتی برای آمریکا-برای نقش او باقی گذاشته است. به نظر می‌رسد عرفات یقین یافته که دست‌یابی به یک راه حل نسبتاً عادلانه در شرایط کنونی غیر ممکن است و بنابراین پروژه صلح با اسرائیلی‌ها را برای نسل بعد از خود باقی گذاشته است. فراتر از این، عرفات در برابر عملیات‌های ضداسرائیلی جناح تندرو و جنبش الفتح و افرادی چون مروان برغوشی، دبیرکل این جنبش در کرانه باختری، و همچنین مشارکت عده‌ای از مقامات دولت خودگردان و اطرافیان او در این عملیات‌ها، سکوت در پیش گرفته است. در همین راستا است که محافل غربی و صهیونیستی مرتباً از این سخن می‌گویند که عرفات دیگر شریک مناسبی برای صلح نیست.

سیاست‌سازش ناپذیرانه‌ای که عرفات در پیش گرفته، تمام راه‌حل‌های میانه را که توسط آمریکایی‌ها ارائه شده، با ناکامی مواجه ساخته است؛ چرا که تمام این طرح‌ها چیزی جز ملغمه‌ای از ائتلاف چند سال وقت دیگر برای فلسطینی‌ها و بازی با کلمات نبوده‌اند. از جمله این راه‌حل‌های میانه می‌توان به طرح محرمانه واشنگتن اشاره کرد که در آن ضمن بحث مبهمی درباره آینده آوارگان فلسطینی، پیشنهاد شده بود «اسرائیل در چارچوب قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ خارج شود تا کشور مستقل فلسطینی در کرانه باختری و

مناسبت‌ترین عنوان برای سیاست دولت اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و در رابطه با دولت عرفات «بازگشت به نقطه صفر» است. سیاست و رویکرد کنونی، اساساً برآمده از مجموعه‌ای از عوامل می‌باشد که از نظر اسرائیلی‌ها دستیابی به یک راه حل سیاسی همه‌جانبه را در کوتاه مدت غیر ممکن ساخته است. این راه حل از نظر مقامات اسرائیل، مستلزم ایجاد شرایطی است که تغییری را در کادر رهبری دولت خودگردان و طرف مذاکره اسرائیلی‌ها به یک معنا و همچنین تضعیف موقعیت مذاکره‌کننده فلسطینی برای عقب‌نشینی از مواضع کنونی بر سر مسائلی چون آوارگان، قدس و حدود دولت مستقل فلسطینی در بر گیرد. این راه حل نهایتاً شرایطی را فراهم می‌آورد که در آن اسرائیلی‌ها در دور آتی مذاکره از موضعی کاملاً برتر با فلسطینی‌ها درباره مسائل کلیدی به مذاکره پرداخته و بتواند صلحی که تمام خواسته‌ها و منافع آنها را تضمین و تأمین می‌نماید به فلسطینی‌ها تحویل نمایند.

برای توضیح عوامل بستر سازی کشمکش‌های کنونی مشخصاً می‌توان گفت که اسرائیلی‌ها و غرب پس از شکست کمپ دیوید دوم، به طور فزاینده‌ای نسبت به عرفات دچار یأس و بی‌اعتمادی شده‌اند و این بی‌اعتمادی که از عدم نرمش عرفات در برابر خواسته‌های اسرائیلی‌ها نشأت می‌گیرد به بحث حذف فیزیکی یا اخراج رئیس عرفات از مناطق خودگردان کشیده شده است. مقاومت عرفات در

جنگ محدود و طولانی مدت فرسایشی و یا حتی در صورت مساعد بودن شرایط منطقه‌ای و جهانی برای اسرائیلی‌ها، در قالب «حمله سریع و گسترده رفت و برگشتی» به مناطق خودگردان دنبال می‌کند. هدف اصلی این حملات که چند هفته است که از زمین، آسمان و دریا در جریان است، نابودسازی تمام زیرساخت‌های تشکیلات خودگردان فلسطینی و دستگاه رهبری یاسر عرفات به منظور تضعیف کامل فلسطینیان است. «در این حمله اهداف حیاتی فلسطینی که نهادهای امنیتی، اقتصادی و اداری در غزه، رفح، الخلیل، جنین، رام الله و نابلس را شامل می‌شود، هدف قرار گرفته است.

این حملات با هدف واداشتن تشکیلات فلسطینی اسرائیل می‌انديشد، بتواند این فرد را احتمالاً از درون میانه‌روهای درون سازمان فتح یا از مقامات تشکیلات خودگردان انتخاب کند.

در کنار سناریوی تضعیف و سرنگونی عرفات، سیاست مشت‌آهنین دولت دست راستی اسرائیل، با چراغ سبز ایالات متحده، چند هدف عده‌دیگر را در مناطق تحت کنترل دولت خودگردان در قالب یک

به‌پذیرش صلح مورد نظر اسرائیل و یا تحمیل یک رهبری جایگزین به تشکیلات فلسطینی صورت می‌گیرد؛ به‌طوری‌که رهبر جدید در مقابل برخی مطامع اسرائیل انعطاف نشان دهد و موافقتنامه جدیدی را که در طول ۲ یا ۳ سال اجرا خواهد شد، بپذیرد» همچنین در این هجوم، همانگونه که شاهد آن هستیم، سرکوب هسته‌های مقاومت فلسطینی و بازداشت یا قتل شخصیت‌های خلق و برجیدن پایگاه‌های آموزش چریکی آنها در مناطق تحت کنترل دولت فلسطینی پیش‌بینی شده است. این مرحله در واقع، تکمیل روندی است که از ماه‌های پیش با ترور فرماندهان نظامی- عملیاتی گروه‌های مبارز فلسطینی آغاز شد و اسرائیل در ادامه آن با یک چرخش



تاکتیکی ترورهای برنامه‌ریزی شده را به سمت رهبران سیاسی و حتی میانه‌رو گروه‌های فلسطینی- نظیر جمال منصور و جمال سلیم از رهبران عملگر او میانه‌رو حماس و ابو اعلاء دبیر کل فقید جبهه خلق و مقامات دولت فلسطینی نشانه رفت. دولت کنونی اسرائیل، توافق‌های گذشته با عرفات را فاقد اعتبار می‌داند و با وارد شدن به مناطق تحت کنترل دولت فلسطینی و ویران کردن نهادهای تشکیلات خودگردان، اساساً خواستار شروع گفت‌وگوها از نقطه صفر است. در واقع اسرائیلی‌ها به دنبال آن هستند که با اجرای سیاست سرزمین سوخته، فضای داخلی و منطقه‌ای را برای فلسطینی‌ها و مشخصاً دولت عرفات چیزی شبیه اوضاع در سال ۱۹۹۲ در آستانه توافقنامه اسلو- بازسازی نمایند.